

بررسی ویژگی‌های هنری و نمادین پنج جقه سلطنتی قاجار موجود در خزانه جواهرات ملی ایران*

شقایق زمانی طهرانی**

سید سعید سید احمدی زاویه***

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۱/۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۸/۱۵

چکیده

جواهرات و زینت‌آلات در بین شاهان ایرانی، جایگاهی ویژه داشتند و هر پادشاهی تمام سعی خود را معطوف به آن می‌کرد که بهترین زیورآلات و جواهرات را جمع‌آوری کرده یا به دست سازندگان حرفه‌ای بسپارد تا از لحاظ اجتماعی و اقتصادی، به شکوه و عظمت سلطنت خویش بیفزاید. همچنین داشتن زیورآلات زیاد دلیلی بر داشتن پادشاهی‌ای عظیم و باشکوه بود. بنابراین شاهان مختلف ایران در طول تاریخ، گنجینه‌ای عظیم را گردآوری کردند. بخشی از این جواهرات در حال حاضر در خزانه جواهرات ملی نگهداری می‌شود. یک نمونه از آثار ارزشمند آن مجموعه، جقه‌ها هستند؛ زیوری سلطنتی که برای تزیین کلاه و تاج شاهان مورد استفاده بوده است.

هدف از نگارش این مقاله، شناخت ویژگی‌های نمادین و هنری جقه‌های این مجموعه است که به روش توصیفی تحلیلی و شیوه گردآوری داده‌ها با استفاده از مشاهده مستقیم آثار خزانه جواهرات ملی ایران، مشاهده تصاویر جقه‌ها و بهره‌گیری از منابع و اسناد معتبر و مطالعات کتابخانه‌ای صورت گرفته است. نتایج حاکی از آن است که شاهان و برگزیدگان، بدین منظور از جقه استفاده می‌کرده‌اند که از نیروهای ماورایی و خدایی بهره‌مند شوند. با بررسی نمادهای موجود در جقه‌ها فهمیده می‌شود که ساختار و فرم اولیه آن‌ها، همگی از طبیعت نباتی و نمادهای فرّ شاهی نشئت گرفته است.

کلیدواژه‌ها:

جقه، خزانه جواهرات ملی، فرّ شاهی، طبیعت نباتی.

* مقاله مستخرج از پایان نامه کارشناسی ارشد نگارنده نخست در رشته صنایع دستی با عنوان: «بررسی ویژگی‌های فنی، هنری و نمادین جقه‌های سلطنتی موجود در خزانه جواهرات ملی ایران» به راهنمایی نگارنده دوم، دانشگاه هنر در سال ۱۳۹۴ می‌باشد.
** کارشناس ارشد صنایع دستی (نویسنده مسئول)، پست الکترونیکی: sh_tz20@yahoo.com
*** دانشیار دانشگاه هنر

۱. مقدمه

شواهد تاریخی نشان می‌دهد در ایران از همان آغاز تاریخ، استفاده از جواهرات و زیورآلات معمول بوده و با پیدایش شاهنشاهی‌های بزرگ، گوهرها و جواهرات بی‌نظیری در گنجینه‌های ایران گردآوری شد. به گواه تاریخ و با توجه به عظمت شاهنشاهی ایران، بخش عمده‌ای از باارزش‌ترین گوهرهای جهان در اختیار حکام و سلاطین ایران بوده است. میزان جواهرات در گذشته، نمایان‌گر قدرت و شکوه کشور و دربار آن زمان بوده است و زیورآلاتی باید ساخته می‌شد تا لایق شاه و شکوه سلطنت وی باشد.

استفاده از جقه، زیوری که نمادی از شکوه و اقتدار است، توسط شاهان و بزرگان برای این منظور بود که سر و کلاه و تاج خود را با آن مزین کنند. از گذشته‌های دور، نقش شاخ در برگزیدگان، معرّف پیوند آن‌ها با نیروهای ماورایی و خدا بوده است. کوروش کبیر و اسکندر مقدونی از نمونه‌های مثالی آن گرایش هستند. به مرور، همین مفهوم در کلاه‌ها و به تدریج با تبدیل شدن آن‌ها به تاج و افزوده شدن سایر نمادهای فرهنگی، موجب افزایش شکوه و متعاقباً تأثیرگذاری بیشتر آن بر مخاطبان گردید. جقه ظاهراً در دوره‌های متأخر به تزیین تاج‌ها افزوده شده اما اینکه مفهوم و معنای دقیق آن در این روند چه بوده و تأثیر آن بر مخاطبان چگونه بوده است، مسئله اصلی این مقاله است تا از این طریق به واşkافی و شناسایی سیر تاریخی و نیز معانی نهفته در آن بپردازد.

درباره جقه‌های خزانه جواهرات ملی از لحاظ هنری و نمادین، تاکنون پژوهشی صورت نگرفته و تنها به نقش بته‌جقه و پیشینه آن در این مقالات پرداخته شده است؛ از جمله: «نگاهی به سیر تحول و نمادینگی بته‌جقه» (خدایی، کریمی و یاراحمدی، ۱۳۹۰)، «بته‌جقه، سرو خمیده ایرانی» (برادران، ۱۳۹۲)، «عقلانیت در هنر ایرانی، نگاهی به درخت سرو و هویت نگاره بته‌جقه» (افروغ، ۱۳۸۸)، «جایگاه نقش بته‌جقه در تزیینات تاج شاهان قاجار (جیغه)» (نادری، ۱۳۹۰)، «کارکرد و جایگاه جواهر و زیورآلات در نقاشی‌های دوره قاجار» (زنگی، ۱۳۹۲). همچنین دو کتاب با عنوان‌های *جواهرات سلطنتی ایران* (تشنگام، ۱۳۵۰) و *پانصد سال تاریخ جواهرات سلطنتی ایران* (بیانی، ۱۳۴۸).

۲. خزانه جواهرات ملی ایران

گنجینه بی‌مانند «خزانه جواهرات ملی» یکی از گران‌بهارترین مجموعه‌های جواهرات جهان است که طی قرون و اعصار بدین صورت فراهم آمده است. خزانه فعلی جواهرات در سال ۱۳۳۴ ساخته و در سال ۱۳۳۹ با تأسیس بانک مرکزی ایران افتتاح و به این بانک سپرده شد و اکنون نیز در صیانت بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران است. خزانه جواهرات ملی ایران، یکی از مجموعه‌های نفیس و ارزشمند در جهان است که بخشی از زیورآلات و جواهرات دوره‌های صفوی، قاجار و پهلوی در آن نگهداری می‌شود و همچنین امکان بازدید از آن برای همگان وجود دارد.

۳. نقش بته‌جقه

نقش‌مایه بته‌جقه را در گذر دوران ماقبل تاریخ، می‌توان بر بسیاری از آثار مشاهده کرد. در منابع پژوهشی برای نقش بته‌جقه، دو منشأ عمده ذکر شده که یکی از آن‌ها گیاهی و دیگری جانوری است. در اغلب منابع، سرچشمه گیاهی آن، درخت سرو دانسته شده است؛ و خاستگاه و سرچشمه جانوری آن، بال جانداران مقدس (صالحی کاخکی و نظری اصطهباناتی، ۱۳۸۹، ۹۲) با توجه به قدمت نقش بته‌جقه، می‌توان پیدایش آن را به دوران پیش از اسلام رساند و نخستین خاستگاهش را در هنر سکایی و هخامنشی باز یافت که به صورت بال‌ها است و تا زمان ساسانیان به همین شکل باقی بود. در آثار هنری اواخر دوره ساسانیان و سده نخستین اسلامی، برای اولین بار همزادی درخت سرو با این نگاره آشکار می‌گردد و احتمال قوی دارد که این نقش‌مایه روزگار باستان زائیده سرو باشد و در باور مردم ایران آمده که زیباپسندی و علاقه ایرانیان باستان به درخت تا به آنجا کشید که پیامبرش سروی از بهشت به ارمغان آورد و در کاشمر کاشت. سرو راست‌قامت مانند «مورد»، «هوم»، مقدس و از دیرباز علامت خاص ایرانیان بوده است (عطروش، ۱۳۸۵، ۱۳). دیدگاه دیگر مبتنی بر آن است که بته‌جقه منشأ جانوری دارد. برای این منشأ، پرندگان خاصی چون شاهین یا هما

را مطرح می‌کنند. شاهین را نماد همهٔ ایزدان آسمان و نیز خورشید، پیروزی، سلطنت، اقتدار، قدرت و رفعت می‌دانند. شاهین نشانهٔ حمایت الهی بر تمام موجودات زمینی دانسته شده است و زمانی که با بال‌های گشوده نشان داده می‌شود، تمام موجودات را تحت این حمایت قرار می‌دهد؛ این پرندهٔ قوی نشانهٔ تفوق و حمایت بر امور دنیای خاکی است (صالحی کاخکی و نظری اصطهباناتی، ۱۳۸۹، ۹۴ و ۱۰۱). در طول تاریخ، اقوام مختلفی بوده‌اند که نزد آن‌ها بال یا پَر پرنده، ارزشمند و گاه حتی دارای تقدس بوده است. این مردم از پَر پرنده در سرپوش‌ها یا در انتهای تیرهای جنگی‌شان استفاده می‌کردند. این اقوام برخی از پرندگان را مقدس و خوش‌یمن می‌دانستند و می‌پنداشتند که داشتن پَر یا بال آن‌ها به همراه خود، برای آن‌ها سعادت و پیروزی می‌آورد. پوشیدن پَر یا سرپوش پَر دار سبب اعطای نیرو یا مانای پرنده می‌گردد و پَرهای روی کلاهخود جنگجویان، نشان پیروزی، مبارزه‌طلبی و افتخار است. همچنین قرار گرفتن بال بر بدن انسان و حیوان، نماد فره ایزدی و قدرت محافظ است (همان، ۱۰۱).

۴. آیین شاهنشاهی و فره ایزدی در ایران باستان

در فرهنگ قدیم ایرانیان، شاهنشاه ایرانی وجودی مقدس به شمار می‌رفت که از پشتیبانی و الهامات آسمانی برخوردار بود. در دورهٔ هخامنشی، شهریار ایرانی وجودی مقدس بود، درخواست و سخنش قانون محسوب می‌شد و جامه‌اش جنبهٔ تقدس داشت، و بسی از اعمالی را که در حق ایزدان انجام داده‌اند، برای او نیز انجام می‌شد (شهبازی، ۱۳۵۱، ۳۱). فره ایزدی یکی از ارکان مهم آیین پادشاهی است و لازمهٔ قدرت و فرمانروایی. نمایانگر تأیید الهی است و مؤید مشروعیت حکومت. در ادب فارسی، به کرات از فرّ پادشاهان سخن رفته و در بررسی‌های تاریخ، به دفعات موضوع آن مطرح شده است (سودآور، ۱۳۸۴، ۱۵).

فرّه ایزدی خورشیدوار در چهرهٔ پادشاه متجلی است، نیازی به نقش شمسه بر تخت سلطنت نیست. در نقاشی هندی مرسوم بود که در پشت سر پادشاه شمسه‌ای ترسیم کنند که نشان فر و نمایندهٔ مشروعیت او بود. این تمثیل فر، به آنچه فردوسی در توصیف فرّ کیومرث گفته است، مشابهت دارد:

همی تافت زو فرّ شاهنشهی چو ماه دوهفته ز سرو سهی

در تصویر ۱، یک پلاک گچ‌بری که در محوطهٔ باستانی تیسفون کشف شده، نقش دو بالک و نوشته‌ای را دارد که ژان دو مناش آن را «افزون» خوانده است.



تصویر ۱: از سمت راست: پلاک گچ‌بری، تیسفون، قرن ششم، موزهٔ هنرهای اسلامی، برلین (سودآور، ۱۳۸۴)؛ پلاک گچ‌بری، تیسفون، قرن ششم، موزهٔ تاریخ طبیعی فیلدس، شیکاگو (همان جا)؛ یزدگرد سوم، شاهنشاه ساسانی، ۶۲۳-۶۵۱ میلادی، با تاج ویژه شاهنشاهی (صفا، ۱۳۴۶).

در این پلاک نیز مانند سکهٔ قباد اول، آمیزهٔ نوشته و تصویر برای القای مفهوم «فرّه افزون» به کار رفته است. و برای تأکید بیشتر، کل آن را در وسط حلقه‌ای از مروارید قرار داده‌اند که آن هم نمادی از فرّ است. از همان منطقه،

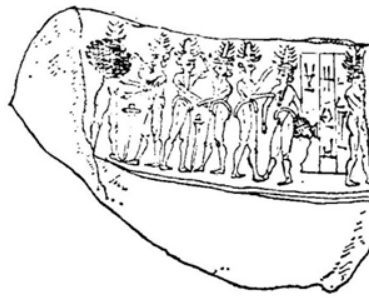
پلاک گچی دیگری کشف شده که فرضیهٔ ارتباط فر و دو بالک را تقویت می‌کند. در این پلاک، یک سر قوچ داریم که دستاری به دور گردنش بسته شده و روی دو بالک قرار گرفته است که آن دو نیز در پایین به وسیلهٔ دستاری به هم پیوسته‌اند. واضح است که ترکیب دو عنصر نامأنوس، یعنی بالک و سر قوچ، بی‌دلیل نیست (همان، ۴۰). در سکه‌های ساسانی نیز شاهد بال‌هایی روی تاج شاهان هستیم که نمادی برای فر شاه به حساب می‌آید.

۵. شاخ، زمینه‌ای برای پیدایش جقه‌های شاهی

شاخ به مفهوم رفعت و بلندی است. مفهوم رفعت به‌نحوی به خاطر حیوان‌های شاخ‌دار برای شاخ منظور شده است (شوالیه و گربران، ۱۳۸۵، ۱). قدرت شاخ‌ها به هیچ وجه قدرتی موقت نبود. شاخ‌ها یادآور نیروی حیاتی، خلقت دورهٔ زندگی زوال‌نیافتنی و باروری هستند. از این رو شاخ‌ها نماد سلطنت و کردار نیک در اقتدار سلطنتی است. به تقلید از دیونوسوس، اسکندر کبیر کلاه و یا تاج شاخ‌دار بر سر می‌گذاشت تا قدرت و نبوغ خود را نشان دهد، و بدین ترتیب شاخ او را به فطرتی الهی منتسب، و سعادت امپراطوری‌اش را تضمین می‌کرد (همان، ۲). شاهان و ایزدان عیلامی نیز از کلاه‌ها و تاج‌های شاخ‌دار استفاده می‌کردند. کلاه شاخ‌دار نمادی از ارتباط کاهنان با خدایان در عیلام بوده است و یکی از مهم‌ترین علائم الوهیت خدایان است. پیکره‌های خدایان در عیلام باستان همیشه با کلاه شاخ‌دار ارائه شده است (مجیدزاده، ۱۳۷۰، ۵۵). در تصویر ۲ مَه‌ری را می‌بینیم که مربوط به فرماندار اشپوم در ۲۳۰۰ قبل از میلاد است که شش نفر مرد را با تاج‌های شاخ‌دار تصویر کرده است (هینتس، ۱۳۸۸، ۷۲).



تصویر ۳: مَه‌ری عیلامی، هزارهٔ سوم پیش از میلاد (همان، ۶۵).



تصویر ۲: مَه‌ری عیلامی، ۲۳۰۰ قبل از میلاد (هینتس، ۱۳۸۸، ۷۲).

در معابد عیلامی نیز از شاخ استفاده شده است. مَه‌ری که در تصویر ۳ مشاهده می‌کنید معبدی در عیلام قدیم را نشان می‌دهد که جالب‌ترین ویژگی آن، نصب سه شاخ بزرگ در هر طرف دیوارهای معبد است. سنگ‌نبشته‌های عیلامی میانه، ثابت می‌کند که این شاخ‌ها جزء مهمی از هر معبد را می‌ساختند، چون نماد الوهیت بود (همان، ۶۴ و ۶۵). شاخ نه تنها به سبب نیرویش نشانهٔ قدرت است، بلکه به دلیل کاربرد طبیعی‌اش، تصویر سلاحی قدرتمند است. وقتی رؤسای سیاسی یا مذهبی شاخ حیوانات را بر سر می‌گذارند، این ارتباط نشانهٔ قدرتی است که از طریق انحصار جادویی اشیاء نمادین به دست می‌آید (شوالیه و گربران، ۱۳۸۵، ۳ و ۴). شاخ به نوبهٔ خود به مفهوم اقتدار و قدرت مطلق است؛ این‌گونه است که چهره‌های نامدار تاریخی یا پیش از تاریخی را با شاخ نشان می‌دادند. در نمونه‌های آیینی، شیوا را می‌بینیم و در نمونه‌های اسطوره‌ای، رستم و اما نمونهٔ تاریخی آن یعنی کوروش و یا اسکندر، مستندتر است که به دلیل داشتن کلاه و تاج شاخ‌دار، لقب ذوالقرنین یا صاحب دو شاخ گرفته است. بعدها که جوامع بشری تحت تأثیر پیشرفت‌های علمی متحول شدند، این نماد به صورت دو بال در تاج شاهان تجلی یافت. بال بعدها جای خود را به پَر داد تا به صورت رمزی، از حیات ازلی بر تاج یا افسر پادشاهان خودنمایی کند (خدایی، کریمی و یاراحمدی، ۱۳۸۷، ۱۱۹ و ۱۲۰). در ایران از زمان باستان، تاج و تخت اهمیت فراوانی داشته است؛ تاج نشان آسمان و نمادی از تأییدات

آسمانی محسوب می‌شده و تخت نشانه زمین بوده است. به همین دلیل تزیین تاج با عناصری نمادین مورد توجه قرار می‌گرفت که نشانه‌ای از قدرت و الوهیت بود (نادری، ۱۳۹۰، ۶۰). در تصویر ۴، تاج روی شاخ‌های بلند و تاب‌دار یک قوچ حبشی، بین دو مار کبری پشت‌به‌هم که هریک گوی کوچکی را به نماد خورشید بر سر دارند، قرار گرفته است. بخش اصلی این تاج شامل سه دسته‌گل نی است که هریک از آن‌ها گوی خورشید را بر فراز داشته و با پر شتر مرغ احاطه شده‌اند. سه حلقه خورشیدی با دایره‌های متحدالمرکز، در انتهای دسته‌گل نی قرار دارد. این تاج نمونه‌ای از تاج مصری است که از دوره اخناتون به بعد رایج شد (استروناخ، ۱۳۷۹، ۷۴).



تصویر ۴: کوروش در پاسارگاد
(استروناخ، ۱۳۷۹، ۷۵)

۶. پیشینه استفاده از تاج گل در فرهنگ ایران

استفاده از تاج گل در عصر هخامنشیان رایج بود. در مراسم قربانی، تاجی از گل و برگ «مورد» بر سر می‌نهادند. دربار داریوش، تعداد سازندگان تاج گل و گل‌آرایان ۴۶ نفر بوده است. در عصر پارت‌ها، به پیروی از سنت‌های پیشین، ساختن تاج گل رونق بیشتری پیدا کرده است (ابریشمی، ۱۳۸۲، ۱۳). بر روی سکه، پاره‌ای از پادشاهان اشکانی شاخه‌های درخت یا چیزی شبیه شاخه گل دیده می‌شود، مانند سکه‌های فرهاد چهارم. و گاهی نیز این شاخه یا برگ به دست فرشته یا انسانی است (بختورتاش، ۱۳۸۳، ۳۶۸). تعدادی از سکه‌ها نیز به نقوش گل و سبزه یا شاخه نخل مزین است. از آن جمله یکی از سکه‌ها منقوش به برگ شیدر است. سکه دیگری نقش فرهاد چهارم را نشان می‌دهد، که فرشته نیکه (الهه فتح و پیروزی)، در حال اهدای حلقه تأیید سلطنت به پادشاه است که احتمالاً دارای تزیینات شاخ و برگ و گل می‌باشد.



تصویر ۵: سکه فرهاد چهارم، فرشته‌ای در حال اهدای حلقه تأیید سلطنت به پادشاه
(<http://www.ancientresource.com/lots/persian/parthian.html>)

در عصر کوشانیان و ساسانیان نیز تزیین تاج و کلاه و دستار با گل و سپرغم یا برگ‌های مورد و نخل رایج بوده است. مثلاً به نوشته جاحظ (۱۶۰ تا ۲۵۵ق)، ایرانیان هنگام تاج بر سر نهادن اردشیر، حق تزیین کلاه خویش را با گل و ریحان نداشتند؛ زیرا کلاه شباهتی به تاج پیدا می‌کرد (ابریشمی، ۱۳۸۲، ۱۴). شاردن شرحی درباره «زینت آلات زنان ایرانی» در عصر صفویه دارد. مطابق نوشته او، زنان، نیم‌تاج یا جقه‌ای مرصع و جواهرنشان بر بالای پیشانی خویش می‌بستند و در صورت نداشتن جقه جواهر، دسته‌گلی عادی بر سر می‌زدند. به هر صورت، نقش گل و بساک و جقه و بته‌جقه‌ای که زنان و مردان ایرانی بر تارک می‌نهادند، در آن روزگاران تعبیرات دلپذیری داشته، ضمن اینکه آراستگی و جلوه‌ای از آزادی را در ظاهر نمایان می‌ساخته است (همان، ۱۷).

۷. بررسی پنج جقه قاجار خزانه جواهرات ملی ایران ۱.۷. گنجۀ ۷، شماره ۹

این جقه (تصویر ۶) از جنس طلا و نقره، مرصع به الماس و یاقوت (سرخ و زرد) و آویزهای برلیان می‌باشد و در دورۀ ناصرالدین‌شاه قاجار ساخته شده است. طرح این جقه کاملاً برگرفته از نقش برسم یا گل لوتوس (نیلوفر) است. این جقه دارای ۱۵ شاخه است که ۵ عدد از شاخه‌ها به هم چسبیده تا سازنده بتواند ۷ عدد گلبرگ را روی این جقه سوار کند، البته سر یکی از گلبرگ‌ها اکنون موجود نیست. جنس این شاخه‌ها، ۱۱ عدد از الماس و ۴ عدد از یاقوت است. سرشاخه‌ها به صورت شکسته طراحی شده‌اند شاید برای نزدیک‌تر کردن جقه به طرح گل و گلبرگ‌ها. پایین جقه نیز به طرز زیبا و هنرمندانه‌ای طراحی شده است. یک سنگ یاقوت مستطیل در قابی بیضی‌شکل با تزیین دور الماس، و طراحی ماریچ الماس در بین سنگ‌های یاقوت ریز و درشت طرحی زیبا را به وجود آورده است، که کاملاً به شکل طبیعت نباتی می‌باشد. ناصرالدین‌شاه از این جقه، به کرات در سفرهای خارج از ایران استفاده کرده و در عکس‌ها و نقاشی‌هایی که از او موجود است دیده می‌شود (تصاویر ۷ و ۸).

قسمت انتهایی جقه به‌مانند دست است؛ شاید دستی که در نقش‌های تخت‌جمشید گل را گرفته، در اینجا این‌گونه آورده شده است. در این جقه، یک عدد سنگ یاقوت زرد اشک مانند وجود دارد. از سلمان فارسی نقل می‌کنند که گفته است: «خداوند یاقوت را در نوروز برای زینت مردمان بیافرید و زبرجد (یاقوت زرد) را در روز مهرجان و این دو روز را بر سایر ایام سال فضیلت داد؛ چنان‌که یاقوت و زبرجد را بر سایر جواهرات» (قربانی، ۱۳۸۲، ۱۵۹). زبرجد به سبب رنگ اصلی‌اش، اغلب با روشنایی و آفتاب یعنی با تابش ملایم و نشاط‌انگیز و دلگشای خورشید مغرب، پیوند یافته است (کوه نور، ۱۳۸۱، ۲۸۶).

یاقوت سرخ: نماد خوشبختی و نشانه بخت و اقبال بلند و شادمانی و کامرانی است. در روزگاران قدیم، به اندوه‌زدایی شهرت داشت و به خواب دیدنش، خبر از سعادت و بهجت می‌داد؛ ولی اگر کدر و بی‌فروغ بود، چنین تعبیر می‌شد که ادبار و نکبت در راه است. رنگ این گوهر بدین سبب فاخر است که در نور، به رنگ‌های مختلف یعنی آمیزه‌ای از قرمز، ارغوانی، قرمز و نارنجی می‌درخشد. گران‌بهارترین یاقوت‌ها، رنگی صاف و زلال دارند؛ یعنی قرمزی تابناکی که «خون کبوتر» نامیده می‌شود. رمزهای این گوهر، با رمزهای رنگ قرمز برابر است که اساسی‌ترین رنگ‌هاست و با شور و وحدت حیات، یعنی نیرو و قدرت، پیوستگی دارد. درخشش رنگ قرمز موجب شده که آن رنگ، نماد جهانی اصل و مبدأ زندگی باشد (همان، ۲۸۲).

عدد ۷ در این جقه: از زمان‌های بسیار قدیم، عدد هفت عدد محبوب بسیاری از اقوام و ملل بوده است. این عدد همواره از تقدیمی خاص برخوردار بوده و نشانه‌ای از یک نظم کامل یا دوره‌ای کامل است. حتی گفته می‌شود که این عدد به کمال روح و ماده اشاره دارد و هر جا که لازم بوده نشانه‌ای حاکی از یک کمال مقدس و قابل احترام یا مجموعه‌ای بدون نقص ذکر شود، از این عدد مقدس استفاده شده است. (طباطبایی اردکانی، ۱۳۷۴، ۱). با توجه به مفهوم عدد هفت می‌توان گفت طراح و سازنده، به قصد از آن استفاده کرده‌اند و در بین این هفت گلبرگ که متأسفانه یکی از آن‌ها از بین رفته، یک عدد را از سنگ یاقوت ساخته‌اند و این تک‌بودن می‌تواند مفهوم شخص شاه یعنی ناصرالدین‌شاه را داشته باشد.

عدد ۴: در این جقه از بین ۱۵ شقه، ۴ عدد آن از سنگ یاقوت ساخته شده است. ممکن است به این دلیل باشد که ناصرالدین‌شاه چهارمین شاه قاجار بوده است و دلیل دوم این‌که چهار عنصر اصلی (آب، باد، خاک و آتش) می‌توانند در ارتباط با نمادهای نباتی و طبیعی جقه‌ها باشند و احتمالاً چهار بودن سر شقه‌ها می‌تواند به این علت نیز باشد. برسم: «نام شاخه‌های تازه‌بریده درخت است که هنگام ستایش و نیایش بر دست می‌گرفته‌اند. مقصود از گستردن و بر دست گرفتن برسم و خواندن نیایش بر آن، سپاس و ستایشی است آفریدگار را که گیاهان و رستنی‌ها بر روی زمین، آفریده اوست» (دوستخواه، ۱۳۷۵، ۹۴۵ و ۹۴۶). معمولاً این شاخه‌ها به دست چپ گرفته می‌شد. در آیین زرتشتی، برسم باید از رستنی‌ها باشد که عموماً آن را از درخت انار تهیه می‌کنند. بدین ترتیب که شاخه‌های انار را با



تصویر ۶: گنجۀ ۷، شماره ۹، خزانه جواهرات ملی ایران.

صناعات
همراه ایرا

سال اول، شماره ۲، بهار و تابستان ۹۷

آداب و دعاهای مخصوص بریده، شست‌وشو داده و در ظرف مخصوص خود می‌گذارند (بخشی، ۱۳۸۲، ۶۶). برسم به‌دست‌گرفتن پیش از غذا در عهد ساسانیان مرسوم بوده است. برخی از پادشاهان ساسانی این ترکه‌ها را از زر ساخته و آن را «زرین‌تره» می‌نامیدند. امروزه در مراسم زرتشتیان نیز شاخه‌های برسم را دست به دست می‌گردانند و به جایش می‌گذارند. در اوستا اولین کسی که برسم را به دست گرفت، «سروش»، فرشته پاداش نیک‌دهنده است که مردم را به فرمانبرداری و اطاعت از اهورامزدا راهنمایی می‌کند (همان، ۶۷).

نیلوفر (لوتوس): یکی دیگر از نمادهای شایان ذکر در این جقه، گل نیلوفر است. شاید این گلی بوده است از گل‌های خوشبو که در خاور نزدیک اغلب به‌جای عطر استفاده می‌شده و این بو در تمام روز حفظ می‌شد. گل نیلوفر آبی بوی خوش و ملایم دارد و با برآمدن آفتاب باز و با فرورفتن آن بسته می‌شود و بدین انگیزه مظهر خورشید است و چون هخامنشیان به ایزد مهر (میترا) دلستگی داشتند، او را در جشن مهرگان می‌پرستیدند، از این گل‌ها می‌ساختند و در آرایش ساختمان‌ها و زیورآلات و اشیاء گوناگون استفاده می‌کردند (بهزادی، ۱۳۸۴، ۲۰۶). نقش گل نیلوفر آبی یا گل خورشید پیش از هخامنشیان مورد احترام ایرانیان بوده و در پایین ستون‌های تخت جمشید و از همه مهم‌تر، در دست شاهان هخامنشی شاخه‌ای از گل نیلوفر که نمادی از صلح و زندگی است دیده می‌شود (همان، ۶۸). گل نیلوفر در دست پارسیان، نشانه این است که از خاندان پادشاهی هستند و این گل مظهر صلح و خیرخواهی است (بخشی، ۱۳۸۲، ۱۲۳). در بسیاری موارد نیز این گل به‌صورت گنچه باز نشده تصویر شده است (قربانی، ۱۳۸۷، ۴۴). آرتور پوپ معتقد است که در هیچ‌جای دنیا، گل نیلوفر آبی به‌اندازه ایران همگانی و معمول نبوده است (رهبرگنجه، ۱۳۸۵، ۳۵).



تصویر ۷: ناصرالدین شاه در اولین سفر فرنگستان طبقه دوم برج ایفل، این عکس توسط «نادار»، عکاس فرانسوی در همین محل گرفته شده است. (<http://www.museumsyndicate.com/item.php?item=43338>).



تصویر ۸: ناصرالدین شاه قاجار نشسته بر روی صندلی اروپایی، نقاشی بهرام کرمانشاهی، ۱۲۷۴ هجری (Diba 1998, 244).



صناعات بهره‌های ایرا

سال اول، شماره ۲، بهار و تابستان ۹۷

۸۷

۲.۷. گنچه ۷، شماره ۱۴

این اثر بسیار زیبا و چشم‌نواز، یکی دیگر از جقه‌های خزانه ملی جواهرات ایران است (تصویر ۹) که با استفاده از سنگ‌های یاقوت سرخ، الماس و مروارید ساخته شده است. جنس این جقه از طلا و نقره است. طرح این جقه شبیه به پَر باز شده طاووس می‌ماند و قسمت پایین آن برگرفته از گل شاه‌عباسی است. بیست و چهار عدد شاخه دور یک دایره مرکزی، طرحی به شکل پَر طاووس یا خورشید با اشعه‌هایش را ساخته است. به نظر می‌آید یکی از شاخه‌های سمت چپ که باید از الماس می‌بوده، از بین رفته یا از اول وجود نداشته است. یک نوار مارپیچی از یاقوت به دور ۹ عدد سنگ الماس بالای دایره در حال گردش است. همچنین در این اثر، ۳ ردیف دایره که در داخل آن یک شمسه ۱۶ پَر قرار گرفته است، دیده می‌شود و تأکید بیشتری بر حالت درخشندگی اثر دارد. سنگ وسط شمسه به نظر از لعل می‌باشد که تراش خورده است. در این پیش کلاه، ۲۷ عدد مروارید موجود است که ۲۴ تای آن بر سر شاخه‌ها و ۳ تای آن‌ها

به صورت آویز استفاده شده‌اند. و یک عدد آویز الماس هم در پایین طرح شاه‌عباسی قابل رؤیت است. در این جقه، نقش طاووس و خورشید به صورت کاملاً انتزاعی و صرفاً با طراحی پر باز شده طاووس ما را به یاد این نقش می‌اندازد. عدد ۲۴:۲۴ ساعت، به مانند برج طغرل که حول این برج از نمای بیرونی ۲۴ کنگره وجود دارد که شبیه عقربه‌های ساعت بوده و می‌توان از روی تابش آفتاب بر روی کنگره‌های آن زمان را تشخیص داد.

عدد ۳:۳ شاخه اصلی طوایف ترکمنان (روملو، شاملو، قاجار)
عدد ۹: تعداد حروف ناصرالدین (ن، ا، ص، ر، ا، ل، د، ی، ن)

شمسه ۱۶ پر + سنگ وسط آن = ۱۷: ناصرالدین شاه در سن هفده سالگی به تخت سلطنت نشست.

عدد ۲۷: بیست و هفتمین سال سلطنت، اولین سفر به فرنگ (ناصرالدین شاه در سال ۱۲۹۰ به اولین سفر فرنگ رفت). (در سال ۱۲۶۴ به تخت سلطنت نشست). مروراید: مروراید در طول تاریخ، به عنوان نشانه قدرت و حسن، زینت بخش تاج و دیهیم و آرایش و زیب و زیور جامه شاهان و قیصران و دولت‌مردان بوده است.

لعل: خواص لعل را بیشتر شبیه به یاقوت دانسته‌اند و هر که با خود دارد، از کشتن ایمن باشد و نیک‌بختی در پی آرد (محمدی و فرمانی انوشه ۱۳۹۱، ۱۹۷). چنین به نظر می‌رسد که لعل در اوایل دوره خلفای بنی‌عباس، یعنی از سده دوم هجری، به وسیله ایرانیان شناخته شده بود. لعل سرخ را سنگی قرمز، شفاف و آبدار دانسته‌اند که درخشندگی آن بیش از یاقوت است و سختی‌اش کم‌تر از آن (قربانی، ۱۳۸۲، ۱۲۹).

نقش طاووس و خورشید: نقش طاووس در میان قرص خورشید یا همراه درخت زندگی، جایگاه مهمی را در هنر ایران به خود اختصاص داده است. این نقش اغلب با مفاهیم مذهبی همراه است. نقش طاووس نه تنها به عنوان نقشی نمادین در آثار هنری به کار گرفته شده، بلکه در دوران باستان نیز در آیین زرتشت به مثابه مرغی مقدس مورد توجه بوده است (خزائی، ۱۳۸۶، ۸). همچنین در دوران باستان باور بر این بودند که طاووس به دلیل نوشیدن آب حیات، عمر جاودانه دارد. همچنین نقش طاووس درون قرص خورشید به عنوان نمادی از «مرغ آفتاب» آسیای باستان، مورد نظر هنرمندان سده‌های اول اسلام بوده است. در فرهنگ اسلامی نیز طاووس به مثابه یک مرغ بهشتی مورد توجه بوده است. در دوره قاجار از نقش طاووس به عنوان یک نقش نمادین نسبت به دوره‌های قبل بیشتر استفاده شده است (همان، ۸ و ۱۱)

۳.۷. گنجه ۷ شماره ۱۳

جقه‌ای که در تصویر ۱۰ وجود دارد، از سایر جقه‌های مجموعه بزرگ‌تر است. جنس آن از طلا، مرصع به الماس، یاقوت، مروارید و زمرد می‌باشد که در دوره پادشاهی فتح‌علی شاه قاجار ساخته شده است. جقه‌ای بزرگ با دو آویز بزرگ که از دو طرف جقه آویزان هستند؛ این دو آویز گوشواره‌مانند بر روی سنگ‌های مروارید امرودی شکل قرار گرفته‌اند. این جقه تنها جقه‌ای است که در آن طرح سرومانند، رو به بالا نیست بلکه رو به پایین آویزان هستند. و این احتمال وجود دارد که وقتی این اثر بر روی کلاه نصب می‌شد، این دو آویز نیز از طرفین به کلاه وصل می‌شدند تا به سمت بالا و آسمان قرار بگیرند. آویزها خود دارای تزیینات زیبایی هستند؛ چهار عدد گل چندپر به علاوه یک عدد سنگ مربع یاقوت. از سنگ زمرد برای وسط گل‌های چندپر استفاده شده و برای گلبرگ‌ها سنگ‌های الماس و یاقوت سرخ و زرد. انتهای هریک از این گوشواره‌ها بته‌جقه‌ای برعکس آویزان است. این بته‌جقه‌ها تقریباً مشابه هم دارند و اثرات شکستگی بعضی از سنگ‌ها و شاخه‌ها در آن‌ها مشهود است. هر دو بته‌جقه در وسط آن‌ها از یک سنگ یاقوت سرخ اشک‌مانند استفاده شده است. این جقه بزرگ دارای ریزه‌کاری‌های بسیار زیاد است؛ به جز سنگ‌های بزرگ، سنگ‌های ریز بسیاری دیده می‌شود که در جای‌جای این اثر قرار گرفته‌اند. دو عدد سنگ‌آویز امرودی شکل بسیار خوش‌رنگ و زیبا با کلاهک طلا و نقره به شقه‌ها وصل‌اند. اگر بیشتر دقت کنیم، به جز شاخ و برگ و گل، میوه هم در این اثر دیده می‌شود. میوه‌هایی به شکل توت فرنگی و گلابی؛ گل‌هایی به شکل غنچه گل سرخ و گل چندپر و گل نرگس و ...

در این جقه، ۵ شاخه به سمت چپ و ۷ شاخه به سمت راست (در واقع ۹ شاخه به سمت راست، اما ۲ عدد از آن‌ها



تصویر ۹: گنجه ۷ شماره ۱۴، خزانه جواهرات ملی ایران.

صناعات
همراه ایران

سال اول، شماره ۲، بهار و تابستان ۹۷

شکسته) است. در کل، این اثر جقه‌ای بزرگ با تزیینات بسیار زیاد و شلوغ است که در ظاهر، بسیاری از این تزیینات یا شکسته‌اند یا مفقود شده‌اند! دو آویز مجلل هم دارد که به نظر نگارندگان، گیره‌ای بر پشت بته‌جقه‌های برعکس پایین وجود دارد که آن‌ها را به طرفین کلاه وصل می‌کند.

۵ شاخه + ۹ شاخه = ۱۴ و عدد ۱۴ تعداد حروف عبارت فتحعلی‌شاه قاجار است. (ف، ت، ح، ع، ل، ی / ش، ا، ه / ق، ا، ج، ر)؛ نه تعداد حروف کلمه فتحعلی‌شاه نیز می‌باشد و مفهوم دیگر این ۱۴ شقه ممکن است دارای نمادی دینی و مذهبی باشد؛ یعنی ۱۴ معصوم (ع) و همچنین عدد ۵ که آن نیز ممکن است نماد ۵ تن آل عبا باشد.

این جقه مربوط به زمان پادشاهی فتحعلی‌شاه قاجار است. شاهی که به تجملات و جواهرات اهمیت ویژه‌ای می‌داد و احتمالاً این جقه را برای شکوه هرچه بیشتر دربار خود سفارش داده تا آن را در مراسم‌های خاص بر سر بگذارد و بر عظمت شاهی خود بیفزاید.

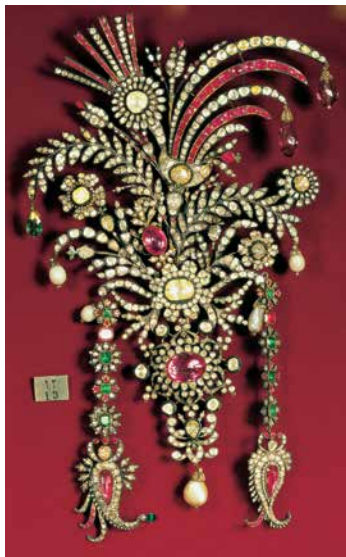
در سفرنامه پولاک، مطلبی درباره مراسم عید نوروز نقل شده است: «بسیست دقیقه قبل از تحویل سال شاه وارد می‌شود و چنان لباس سنگین رسمی مرصعی از مروارید، زمرد و یاقوت بر تن دارد که با زحمت و مرارت زیاد می‌تواند از جا بجنبد. شب کلاه سیاه‌پوست بره‌ای بر سر دارد که باز الماس‌ها بر آن تالاف دارد و جقه‌ای بزرگ بر کلاهش به چشم می‌خورد که به رشته‌های رنگارنگی از بلور ختم می‌شود. در پیش و پشت گوش او برحسب مد رایج روز طره‌ای قرار دارد. به هر بازویش، بازوبندی از طلاست. بر یکی از بازویندها الماس بزرگ تاج سلطنتی دریای نور نصب شده که صفحه‌ای است بزرگ و تخت به پاکیزگی و درخشندگی تمام و بر دیگری درشت‌ترین یاقوت جهان که از هند به غنیمت گرفته شده است دیده می‌شود که بر مقطع آن نام تمام سلاطین مغول نقر گردیده است» (پولاک، ۱۳۶۱، ۲۵۶). با توجه به توضیحات پولاک^۵، به احتمال بسیار زیاد جقه بزرگی که از آن سخن گفته، همین جقه بزرگ مورد بحث این مقاله است و منظور از رشته‌های رنگارنگ همان آویزه‌هایی است که انتهای آن‌ها به بته‌جقه‌های برعکس ختم می‌شود.

قائنی، یکی از شعرای نامدار عهد قاجار، در سفر به تهران شعری در مدح فتحعلی‌شاه سرود و از وی لقب مجتهدالشعرا گرفت. او همچون پولاک شرح ویژگی‌ها و خصوصیات فتحعلی‌شاه را به صورت شعر آورده است.

اگر نظام امور جهان به دست قضاست	چرا به هرچه کند امر شهریار رضاست
شهی که قامت یکتای دهر گشته دوتا	به پیش گوهر او کز مثال بی‌همتاست
ستوده فتحعلی‌شاه شهریار جهان	که اصل و فرع وجود است و مایه اشیاست
یک آسمان و ازو آشکار صد خورشید	یک آفتاب و مر او را هزار گونه سناست

گل نرگس: گل نرگس با حلقه زیبا و زردرنگی که در وسط جام خود دارد، چشم مخمور مهوشان گل‌رو را تداعی می‌کند. این گل زیبا در بزم‌ها جایگاهی خاص داشته و در آراستن تاج و کلاه و دستار مورد استفاده قرار گرفته است. گل نرگس همانند چشم شهلايان ناظر بر همه گوشه و زوایای مجالس بزم و محافل جشن و سرور است. این گونه تعبیرات در سروده‌های شاعران فراوان است. از باب نمونه، سنایی غزنوی در این بیت نغز، با اشاره تلویحی به تزیین کلاه یا تاج جنگاوران و شهریاران به گل نرگس و حضور این گل در مجالس بزم و می‌گساری توصیه می‌کند. که در مجالس بزم و آورده‌های رزم، باید با چشمانی باز مواظب همه جوانب و حرکات‌ها بود:

کم ز نرگس مباحش اندر حزم چون کنی عزم رزم و مجلس بزم (ابریشمی، ۱۳۸۲، ۱۶)
نقش گل روزت یا گل چندپر: در هنر ساسانی و هخامنشی و خصوصاً در حجاری‌های تخت جمشید بسیار به این نقوش برمی‌خوریم. این نوع گل دارای گلبرگ‌های منحنی و لبه‌های هلالی است. انواع مختلف آن ۸، ۶، ۱۰ و ۱۲ پر دارد. گل‌ها گذشته از خرمی و خوش‌بویی که لازمه هر کوشک شاهی بوده است، مفاهیم دیگری نیز در بر دارند و احتمالاً ۱۲ پر بودنشان، نشانه ۱۲ ماه سال است. گفتنی است عدد پره‌های چرخ‌های گردونه که در نقش برجسته‌های تخت جمشید دیده می‌شود هم ۱۲ است. این گل نشان خوش‌بختی و برکت در طول سال است (شهبازی، ۱۳۷۵، ۵۱).



تصویر ۱۰: گنجه ۷ شماره ۱۳، خزانه جواهرات ملی ایران.

صناعات
همراه ایرا

سال اول، شماره ۲، بهار و تابستان ۹۷

۴.۷. گنجۀ ۲۴، شماره ۱

در جقۀ زمرد (تصویر ۱۱)، شقه‌ها به شکل شاخ و برگ همچون شاخه‌های بوته به دو طرف متمایل‌اند. در بعضی از سرشاخه‌ها حلقه‌هایی وجود دارد که احتمالاً دارای آویز بوده‌اند. قسمت میانی جقه تا پایین آن شبیه به برس است. نوزده شقه با سنگ زمردی در قاب مربع و در پایین آن، سنگی دیگر در قاب بیضی کار گذاشته شده است.

سنگ زمرد: پلین می‌گوید: هیچ رنگ سبزی، سبزرتر از رنگ سبز زمرد نیست. زمرد که بهار و نوزایی رستنی‌ها و گیاهان سرسبز و خزه‌تر و تازه را تداعی می‌کند، نماد تجدید حیات و باروری و سرزندگی جهان و جوانی جاودان گیاهان و «بهشت سبز و خرم» خدایان آن است. «شفافیت دلپذیر» آن یادآور و روشنی و زلالی آب است! در عالم اسلام نیز زمرد نشانهٔ اسلام است؛ زیرا رستن و سبز شدن گیاهان در سرزمین‌های خشک کویری، اهمیت حیاتی دارد. بنا بر آنچه در افسانه آمده، زمرد زینت‌بخش پیشانی آدم در بهشت بود و پس از هبوط ابوالبشر، از پیشانی وی جدا شد (کوه‌نور، ۱۳۸۱، ۲۷۲).

۵.۷. گنجۀ ۷، شماره ۲۷

جقه‌ای که در آن از سنگ یاقوت کبود استفاده شده (تصویر ۱۲) و به‌مانند جقۀ قبلی دارای شاخ و برگ و آویز است. قسمت میانی آن شبیه به نقش‌مایهٔ گل نیلوفر است با سنگ وسط دایره‌ای شکل. قسمت پایین جقه نیز با تزیینات مارپیچی و نواری از سنگ‌های یاقوت کبود تزیین شده و در قسمت زیرین سنگ‌ها گل شاه‌عباسی به‌صورت وارونه قابل مشاهده است. این اثر ۲۰ آویز دارد که یک عدد از آن‌ها مفقود است. همچنین ۹ عدد سنگ یاقوت کبود دارد که چون این جقه‌ها مربوط به زمان ناصرالدین‌شاه است، عدد ۹ تعداد حروف اسم ناصرالدین می‌باشد. و اگر بخواهیم آن سنگ یاقوت وسط گل نیلوفر را نیز در نظر بگیریم، به‌علت مرکزیت، می‌تواند نماد شاه باشد و یا به همراه ۹ یاقوت قبل عدد ۱۰ را تشکیل بدهند و اسم ناصرالدین به‌صورت مشدد، مدنظر طراح باشد.

با توجه به گزارش پولاک دربارهٔ جقه‌ای که در تصویر ۱۰ دیده شد، به نظر می‌رسد که شاه در بار عام نوروزی، هر سال متفاوت از سال پیش برای جلوه‌گری، از زینتی جدید استفاده می‌کرده است. با توجه به شباهت فرمی و تکنیک یکسان ساخت این جقه‌ها، می‌توان احتمال داد که در سال‌های سلطنت نوزدهم و بیستم، این جقه‌ها سفارش و ساخته شده باشند.

هر دو جقۀ تصویر ۱۱ و ۱۲ هم سبک هستند و بسیار ظریف کار شده‌اند. جنس آن‌ها طلا و مرصع به الماس است و در زمان پادشاهی ناصرالدین‌شاه قاجار ساخته شده‌اند. در هر دو جقه، دو حلقهٔ کوچک بین شاخه‌های بالا به‌صورت عمودی وجود دارد که محل نصب آن به کلاه است. قسمت بالایی هر دو اثر عیناً شبیه هم هستند.

یاقوت کبود: یاقوت کبود همچون لاجورد است و اغلب خویشاوند شمرده شده‌اند. از آنجا که به رنگ لاجوردی یعنی آسمان‌گون و به رنگ گنبد نیلگون و رواق زنگارین است، در مشرق‌زمین، قدر و قیمت یافته است، زیرا می‌پندارند که طلسمی است ضد چشم‌زخم (نظرقربانی). تابش و درخشش نیلگون این گوهر، صلح و آرامش می‌آورد و خشم و کینه را فرومی‌نشانند. یاقوت کبود که گوهر عدل الهی است، نماد وفاداری و مناسبات سعادت‌مند و صلح‌خواهی است (کوه‌نور، ۱۳۸۱، ۲۷۹).

الماس: سنگی که در تمامی جقه‌های مورد بحث، پایهٔ اصلی ساخت جقه‌هاست. الماس از سنگ‌های گران‌بها و سخت‌ترین و خشک‌ترین سنگ‌هاست (محمدی و فرمانی انوشه، ۱۳۹۱، ۲۱). هر که الماس با خود دارد، هیچ دشمن را بر او ظفر نبود و جادویی بر او کار نکند (کاشانی، ۱۳۴۵، ۸۱ و ۸۲). این سنگ برای دارندهٔ آن شکوه و قدرت می‌آورد و به صاحب آن نیروی بسیار زیاد، شجاعت، شهامت و بردباری می‌دهد (عربشاهی، ۱۳۹۱، ۲۰). پلین صد سال پس از میلاد اظهار می‌دارد که الماس باارزش‌ترین گوهرهاست؛ اما فقط پادشاهان آن را می‌شناسند. گران‌ترین الماس، ابتدا قرمز و بعد سبز است (ارجمند اینالو، ۱۳۸۷، ۱۴۱).



تصویر ۱۱: گنجۀ ۲۴، شماره ۱، خزانهٔ جواهرات ملی ایران.



تصویر ۱۲: گنجۀ ۷، شماره ۲۷، خزانهٔ جواهرات ملی ایران.

صناعات
همراه ایران

سال اول، شماره ۲، بهار و تابستان ۹۷

۸. نتیجه گیری

به باور ایرانیان، پادشاهی امری بود که به خواست و اراده خدا بستگی داشت، بنابراین پادشاه یا شاهنشاه کسی بود که اراده خالق، او را از دیگران برگزیده و شایسته موهبتی دانسته بود که به وی ارزانی می‌داشت. لازمه این شکوه و موهبت الهی، بهره‌گیری از نمادهایی بود که به پادشاهان کمک می‌کرد خود را به آن نیروی بالاتر متصل بدانند؛ به همین سبب ابتدا از شاخ حیوانات بر روی تاج و کلاه خود استفاده کردند که به آن‌ها قدرت و اقتدار دهد. در دوران‌های مختلف تاریخ ایران پادشاهان از تاج‌های مختلفی استفاده کرده‌اند که هر یک از آن تاج‌ها به‌نوبه خود بی‌نظیر، شکوهمند و دارای تزییناتی بود که مفاهیم الهی و ماورایی و قدرت مطلق را نمایان می‌ساخت. بعد از آن، شاهان به‌جای استفاده از تاج‌های سنگین که به‌زحمت می‌شد آن‌ها را روی سر حمل کرد و حتی در برخی موارد مجبور بودند تاج شاهی را با زنجیرهایی از بالا آویزان کنند تا دیگران فکر کنند تاج بر سر پادشاه است، استفاده از جقه‌های مجلل را جایگزین کردند و سعی کردند که تمامی مواردی را که لازمه فرّ و شکوه شاهی است در این زیور زیبا نمایان کنند و موفق هم بودند.

بنابراین این زیور زیبا به دست طراحان و سازندگان می‌بایستی به بهترین نحو طراحی و ساخته می‌شد. در جقه‌هایی که در این مقاله بررسی شد، متوجه شدیم که فرم اصلی آنان برگرفته از طبیعت نباتی است و با دیدن آن‌ها در وهله اول شکل یک دسته‌گل به ذهن متبادر می‌شود. گل در فرهنگ ایرانی نقش بسزایی داشته است و استفاده از آن را از زمان باستان شاهدیم. در آن زمان از یک دسته‌گل و یک تاج گل برای زینت سر خود استفاده می‌کردند. نقش گل در فرهنگ ایران آنقدر مهم بود که در نقش برجسته‌های تخت جمشید نیز گل‌های لوتوس و نیلوفر در دستان سربازان و شاهان هخامنشی دیده می‌شود. در دوره‌های بعدی، همچون اشکانی و ساسانی، نیز استفاده از تاج گل اهمیت زیادی داشته است. در جدول (۱) به تطبیق فرم جقه‌ها و نقوش استفاده‌شده در آن‌ها با طبیعت نباتی پرداخته شده است.

فرم دیگر جقه‌های مورد بحث به‌صورت بت‌جقه‌ای یا همان سرو خمیده است که می‌توان به نقش بت‌جقه در این جقه‌ها، منشأ گیاهی و حیوانی داد؛ منشأ گیاهی به‌دلیل تقدس خاص گیاهان و گل‌ها نزد ایرانیان، و منشأ جانوری نیز به‌دلیل برگرفته شدن از بال پرندگان مقدس؛ همان طور که در نمادهای فرّ دیدیم. یکی از آن نمادها، سر قوچ و بال در ظروف ساسانی و نقوش برجسته آن‌هاست. اشعار شاهنامه نیز ارتباط فرّ و بال و پر را تأیید می‌کند.

تمامی این پیش کلاه‌های زیبا و بی نظیر از نمادهای ایران باستان برگرفته شده‌اند. این نمادها خود نماد فرّ هستند. گل لوتوس (نیلوفر)، برسم، گل چندپر، درخت سرو، بال، شمس، خورشید و...، همگی دارای مفاهیم روشنایی و نور هستند، و شمس به‌جز اینکه یکی از نمادهای فرّ می‌باشد، نمادی الهی و مذهبی هم محسوب می‌شود.




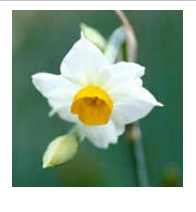

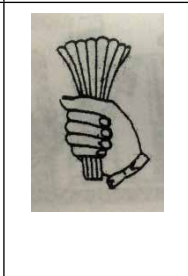



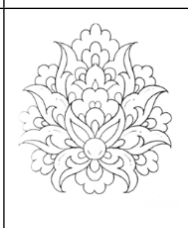


گاهی حتی بر روی یک کلاه و یا تاج، از تعداد خاصی جقه استفاده می‌کردند؛ برای مثال، نادرشاه افشار تاجی با سه عدد جقه بر سر می‌گذاشت. از دیگر سو، نمادهای مذهبی و الهی نیز در این جقه‌ها استفاده شده است. استفاده از تعداد سنگ‌های خاص یا شقه‌های جقه‌ها، به‌طور مثال عدد ۵ (۵ تن آل‌عبا) و عدد ۱۴ (۱۴ معصوم‌(ع))، پادشاهان قاجار برای حفظ سلطنت و پادشاهی خود، سعی بر آن داشتند تا از نیروهای آسمانی همچون امامان بهره‌مند شوند تا آن‌ها حافظ و نگهدار پادشاهی آنان باشند. همچنین طراحان از تعداد شقه‌ها برای بیان کردن مفهومی خاص استفاده می‌کردند؛ مانند ۴ شقه که می‌تواند نماد چهارمین شاه قاجار یعنی ناصرالدین شاه باشد. و یا مفاهیم دیگری نظیر تعداد سال سلطنت، چندسالگی شاه، چندمین شاه قاجار و... .

در جقه‌ها، سنگ‌هایی بسیار زیبا و گران‌بها، توسط سازندگان به کار گرفته شده است. سنگ‌هایی که به احجار کریمه (الماس، زمرد، یاقوت سرخ و کبود) معروف‌اند؛ به این علت که از لحاظ کیفیت و زیبایی بر سایر سنگ‌ها برتری دارند. تمامی سنگ‌ها علاوه بر زیبایی و چشم‌نوازی، دارای مفاهیم و خاصیت‌هایی است که شاهان با استفاده از آن‌ها به قدرت، پیروزی، سلامتی، شجاعت و... دست می‌یافتند.

جقه، قطعه‌ای آغشته به رمزهایی است که آن رمزه‌ها و نشانه‌ها حافظ و نگهدار شاهان بوده‌اند و همچنین تأثیر روانی‌ای که این جواهر بر روی دیگران و بینندگان می‌گذاشت، عظمت و شوکت و شکوه شاه و دربار او را در پی

داشت. هنرمندان و طراحان آن زمان با بهره‌گیری درست و بجا از اعداد، سنگ‌ها، و استفاده از تمامی نمادهایی که شکوه و فرّ شاهی را دارا بودند، در ساختن این پیش‌کلاه‌ها بسیار ماهرانه عمل کرده‌اند.

جدول ۱: تطبیق فرم جقه‌ها و نقوش طبیعت (نگارندگان).

		گل لوتوس			گل نرگس
		برسم			میوه‌ها
		گل شاه عباسی			گل چندپَر

پی‌نوشت‌ها

۱. زیوری است که از پَر درنا یا کلنگ یا مرغ ماهیخوار سازند و بر کلاه نهند و بیشتر بهادران و دلیران بر سر گذارند. به معنی تاج هم به کار می‌رود. جقه. پَرک. تَل. بته‌ای ساخته از پَر پرنندگان که بر بالای کلاه پادشاهان ایران است و آن کوچک‌کردهٔ سرو سرافکنده، نشان ایران و ایرانیان و حکایت‌کننده از راستی و تواضع ایشان است (دهخدا، ۱۳۷۷، ذیل واژهٔ جقه).
۲. برای مطالعهٔ بیشتر نک: مکی‌نژاد، ۱۳۸۸، عطرش، ۱۳۸۵.

3. Barsum

۴. سنگی که به شکل گلابی محدب تراش خورده باشد.
۵. پزشک دربار ناصرالدین‌شاه قاجار.

منابع

- ابریشمی، محمدحسن. ۱۳۸۲. «گل در فرهنگ ایرانی: تاج گل، بساک و گرز، بته‌جقه». مجلهٔ گزارش (۱۴۵): ۱۳-۱۸.
- ارجمند اینالو، مهدی. ۱۳۸۷. «آموزش در هنرهای سنتی ایران: گذری بر گوهرشناسی و آموزش گوهرتراشی». مجلهٔ آینهٔ خیال (۱۱): ۱۳۶-۱۴۶.
- استروناخ، دیوید. ۱۳۷۹. پاسارگاد. ترجمهٔ حمید خطیب شهیدی، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- افروغ، محمد. ۱۳۸۸. «عقلانیت در هنر ایرانی، نگاهی به درخت سرو و هویت نگارهٔ بته‌جقه». نشریهٔ کتاب ماه هنر (۱۲۸): ۴۲-۴۷.
- بختورتاش، نصرت‌الله. ۱۳۸۳. تاریخ پرچم ایران (درفش ایران از باستان تا امروز)، تهران: نشر بهجت.

- بخشی، امیرفرهاد. ۱۳۸۲. بررسی نقوش گیاهی در هنر قبل از اسلام، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته ارتباط تصویری، تهران: دانشگاه هنر.
- برادران، مریم. ۱۳۹۲. «بته‌جقه، سرو خمیده ایرانی»، مجله تحقیقات فرهنگی (۱۴): ۱۰۹-۱۳۲.
- بهزادی، نینا. ۱۳۸۴. بررسی نقوش گیاهی و جانوری هنر هخامنشی. تهران: نشر دانشگاه آزاد اسلامی (شهر ری).
- بیانی، مهدی. ۱۳۴۸. پانصد سال تاریخ جواهرات سلطنتی ایران، تهران: نشر بانک مرکزی ایران.
- پولاک، یاکوب ادوارد. ۱۳۶۱. سفرنامه پولاک «ایران و ایرانیان»، ترجمه کیکاووس جهانداری، تهران: انتشارات خوارزمی.
- تشنگام، وی. بی. مین و ای. دی. ۱۳۵۰. جواهرات سلطنتی ایران. تهران: نشر بانک مرکزی ایران.
- دهخدا، علی‌اکبر. ۱۳۷۷. لغت‌نامه دهخدا. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- دوستخواه، جلیل. ۱۳۷۵. اوستا، کهن ترین سرودهای ایرانیان. تهران: انتشارات مروارید.
- خدایی، محمدزمان، صادق کریمی، و مهدی یاراحمدی. ۱۳۸۷. «نگاهی به سیر تحول و نمادینگی بته و جقه»، فصلنامه تحقیقات فرهنگی (۲): ۱۰۹-۱۳۲.
- خزائی، محمد. ۱۳۸۶. «نقش نمادین طاووس در هنرهای تزئینی ایران». کتاب ماه هنر (۱۱۱ و ۱۱۲): ۱۲-۱۶.
- رهبرگنج، تورج. ۱۳۸۵. «نیلوفر آبی در هنر ایران باستان». کیهان فرهنگی (۲۳۸): ۳۴-۳۷.
- زنگی، بهنام. ۱۳۹۲. «کارکرد و جایگاه جواهر و زیورات در نقاشی‌های دوره قاجار». مجله پژوهش هنر (۳): ۴۷-۵۶.
- سودآور، ابوالعلاء. ۱۳۸۴. قره ایزدی در آیین پادشاهی ایران باستان، تهران: نشر نی.
- شوابیه، ژان، و آلن گبران. ۱۳۸۵. فرهنگ نمادها، ترجمه سودابه فضایی، تهران: انتشارات جیحون.
- شهبازی، ع. شاپور. ۱۳۵۱. شاهنشاهان و سنت‌های ایرانیان، تهران: نشر وزارت فرهنگ و هنر اداره کل نگارش.
- شهبازی، شاهپور. ۱۳۷۵. شرح مصور تخت جمشید، تهران: نشر سازمان میراث فرهنگی.
- صفا، ذبیح‌الله. ۱۳۴۶. آیین شاهنشاهی ایران، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- صالحی کاخکی، احمد، و امینه نظری اصطهباناتی. ۱۳۸۹. «تأملی در منشأ نقش بته‌جقه»، نامه هنرهای تجسمی و کاربردی (۶): ۹۱-۱۰۵.
- طباطبایی اردکانی، نسرين. ۱۳۷۵. پرنیان هفت‌رنگ (جستاری پیرامون عدد هفت در هنر و فرهنگ)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته پژوهش هنر، تهران: دانشگاه هنر.
- عطروش، طاهره. ۱۳۸۵. بته‌جقه چیست؟، ترجمه مرتضی ترسلی، تهران: نشر فرهنگی هنری سی بال هنر.
- عربشاهی، محمد. ۱۳۹۱. عصر جواهرات، تهران: نشر ترانه.
- قربانی، منصور. ۱۳۸۲. سنگ‌ها و کانی‌های گرانبها (گوهرها) و جایگاه آن‌ها در ایران، تهران: ناشر آریز زمین.
- قربانی، فهیمه. ۱۳۸۷. نقش شمس و مفهوم آن در هنر ایران، دوران اسلامی (مطالعه موردی: شمس هشت‌پر)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته صنایع دستی، تهران: دانشگاه هنر.
- کاشانی، ابوالقاسم عبدالله. ۱۳۴۵. عرایس الجواهر و نفایس الاطایب. به کوشش ایرج افشار. تهران: انتشارات انجمن آثار ملی.
- محمدی، محمدحسین، و نازیلا فرمانی انوشه. ۱۳۹۱. فرهنگ احجار کریمه و معدنی‌ها در ادبیات فارسی، تهران: نشر زوار.
- کوهنور، اسفندیار. ۱۳۸۱. دایره‌المعارف هنرهای سنتی ایران (جایگاه نقوش نمادین یا سمبلیک در هنرهای سنتی ایران)، تهران: نشر نور حکمت.
- مکی‌نژاد، مهدی. ۱۳۸۸. گنجینه‌های از یادرفته هنر ایران (جلد دوم: هنرهای صنعتی)، تهران: مؤسسه تألیف و ترجمه و نشر آثار هنری «متن».
- مجیدزاده، یوسف. ۱۳۷۰. تاریخ و تمدن ایلام، تهران: نشر دانشگاهی.
- نادری، سمیه. ۱۳۹۰. «جایگاه نقش بته‌جقه در تزئینات تاج شاهان قاجار (جیغه)»، کتاب ماه هنر (۱۶۲): ۵۸-۶۳.
- هیئتس، والتر. ۱۳۸۸. دنیای گمشده عیلام، ترجمه فیروز فیروزنیا، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- Diba. Layla s. 1998. Royal Persian Paintings: The Qajar Epoch. New york. Brooklyn Museum of Art.

- www.ancientresource.com
- www.museumsyndicate.com

صناعات
همراه ایرا

سال اول، شماره ۲، بهار و تابستان ۹۷